



۲۰۱۳/۰۸/۰۴

پوهندوی شیمیا «غوری»

"رنگها" و برداشت های من

تقریباً دو ماه قبل با خانم جوانی از طریق فیس بوک آشنا شدم که با اخلاص و اطمینان معقول ذهنی در کمپاین طرفداری از قانون ضد خشونت بر علیه زنان می نوشت و تبصره می نمود.

این خانم "خاتول مهمند" نام دارد، که تازه کتابی را به نام «رنگها» به نشر رسانیده است. مرا بخت یاری کرد و کتابش را مطالعه نمودم. من نقد نویس نیستم و صلاحیت آنرا هم ندارم که کتاب وی را با آثار سایر نویسندگان داستان های کوتاه به زبان دری مقایسه نمایم. ولی نظر به تجربه کاری ام امیدوارم بتوانم بدون جانبداری قضاوت نمایم و برداشت های خویش را با زبان قلم انتقال بدهم. از اینرو خواستم تا این کتاب را که در دلم چنگ زده است، برای دوستان معرفی نموده و ارزیابی های شخصی ام را با ایشان شریک نمایم.

این کتاب با قطع و صحافت زیبا در ماه جون ۲۰۱۳ از چاپ برآمده است، که شامل ده داستان کوتاه، افزون به یاد آوری مؤلف می باشد.

«رنگها» نام با مسمایی است، که بانو مهمند عنوان کتابش را به آن رقم زده و با متن کتاب سازگاری کامل دارد، منظور، رنگها، تفاوتها و تعلقات انسان هاست، که در بعضی جاها و حالات و در نزد برخی از اشخاص مهمترین مسئله می باشد، ولی با آنهم همین رنگ ها در داستان های وی در مقابل انسانیت عاجز می آید و بی مفهوم میگردد. این موضوع در «سفر رنگ ها» و «برویک را دوست دارم» بیشتر نمایان میگردد. جالب این است که این داستان ها تنها در چوکات قوم های افغانستان نه، بلکه در سطح ملل جهان واقع میشود، که خیلی طبیعی و واقعبینانه نطفه گرفته و رشد می نمایند. رویارویی انسان های ملل مختلف و مزج عاطفه های آنها و پیروزی اصل انسانیت بر رنگها در قالب داستان کوتاه در این کتاب به زبان دری برای من کاری است جدید، و یا شاید هم تقصیر خودم باشد، که تا حال چنین کتابی موجود در زبانم را تاحال نخوانده ام.

خانم خاتول نه تنها با چشم و گوش باز رویداد ها را درک نموده و آنها را به گونه زیبا و هنرمندانه دوباره انعکاس داده است، بلکه با اندیشه بلند آنها را تزئین و با دانستنی های لازم و مفید جریان واقعات را پرکاری نموده است. عاطفه و احساس در سراسر کتاب، خواننده را همراهی می کند، ولی درد در بعضی از آنها به اوجش هویدا می گردد، بخصوص در داستان «برای تو می نوازم» عشق زن و غرور حسادت آفرین مرد، آمیزه درد آفرینی است که با زیبایی و سادگی در داستان جان گرفته و خواننده را مسحور خویش می نماید. همچنان گل های خشک که محرومیت دختران را در جامعه سنتی افغانستان بازگو می کند، می تواند تنها توسط یک خانم به این سادگی و زیبایی، آمیخته با درد نوشته شود.

از داستانهای «سپیده خونین» و چند داستان کوتاه دیگر می توان عمق جراحت روح نویسنده را از جنگ های خانمانسوز وطن بخوبی درک نمود.

داستان کوتاه «پیوند ابدی» نمایانگر آن است که خانم "خاتول مهمند" با وجودی که بیشترین درد زنان را در داستان هایش انعکاس داده است، ولی یک انسان حقیقت گرا می باشد، چنانچه در این داستان اشتباه یک زن را در مقابل شوهر و فامیلش مطرح نموده است.

کتاب با زبان روان و ساده تحریر گردیده و دیالوگ ها به زبان گفتاری نوشته شده اند. اکثراً متن داستان ها توسط دیالوگ ها انکشاف یافته و خواننده را با شخصیت های داستان مستقیماً در تماس می آورد که این خود هنر خوب نویسنده را نشان می دهد.

مگر یکاش بعضی اشتباهات تایپی در کتاب وجود نمی داشت، زیرا آنها گاهگاهی چون خاری در گلزار زیبا چشم خواننده را مزاحمت می نماید. امید است خانم "خاتول مهمند" در چاپ مجدد کتابش به این موضوع توجه نماید.

د پاپو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې دليکنيزې ښې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولئ

من در حالیکه خواندن این مجموعه را برای دوستان عزیز سفارش می‌نمایم، می‌خواهم از یک مسئله ملال آور نیز یاد آوری نمایم. آن اینکه تقریباً سه هفته قبل خانم "خاتول مهمند" نشر کتابش را در فیس بوک مژده داد. در یکی از تبصره‌ها خواندم که کسی (اسمش متأسفانه به یادم نیست) خانم مهمند را از لحاظ هنر نویسندگی توهین نموده و به تخلص‌شان دشنام حواله داده بود. در جواب خانم خاتول مهمند مایوسانه به دوستانش نوشت که او دیگر میل ندارد، در فیس بوک به فعالیتش ادامه بدهد. هر یک او را تسلی داده و به آرامش و صلابت تشویق نمودند. من نمیدانستم در این کتاب چه موضوعاتی نوشته شده و از اینرو بشکل فورمولیته چیزهایی برای آرامش خانم نوشتم ولی خواستم تا این کتاب را حتماً یکبار بخوانم.

حالا که «رنگها» را خواندم و دیدم که خانم مهمند با خون دل حمایلی را از مرجان‌های زیبای احساس و اندیشه برگردن عروس فرهنگ کشور ما افغانستان تهیه نموده و غنای ارزشمندی را در گنجینه زبان دری افزوده است، تأسف کردم که ایشان با بی‌رحمی به بهانه تخلص‌شان چنین مورد حمله قرار می‌گیرند. از خلص زندگینامه‌اش چنین برمی‌آید که خانم مهمند متولد ۱۹۸۲ بوده و به سن ده سالگی با فامیلش افغانستان را مجبوراً ترک گفته است. وی از پانزده سال به اینطرف در ناروی زندگی می‌کند، خانم مهمند چنان به وطن خویش عشق می‌ورزد و زبان دری را زیبا آموخته است که به این زبان داستان می‌نویسد و شعر می‌گوید. این خود قابل قدر است که خانم جوانی احساسش را می‌نویسد و زیبا می‌نویسد و رویدادها را در قالب داستان ماندگار می‌سازد، این سزاوار آن نیست که توهین شود و تعلقیت قومی‌اش به نا سزا گرفته شود. کاش هر کدام ما در کشور خویش زبان مادری هموطن دیگری را به این زیبایی می‌دانستیم، شاید در آنصورت حالا مشکلات کمتری در کشور می‌داشتیم. من امیدوارم تا میرمن خاتول مهمند این مسئله را جدی نگرفته و به کارهای ادبی و فرهنگی‌اش همچنان ادامه بدهد.

در اخیر نشر مجموعه داستان‌های کوتاه «رنگها» را برای خانم خاتول مهمند و همه فرهنگیان و علاقمندان داستان کوتاه که به زبان دری بلدیت دارند، تبریک عرض نموده و برای خانم مهمند مؤفقیت‌های مزیدی را آرزو می‌برم.

پایان

د پانو شمیره: له ۲ تر ۲

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په څیر و لولی